

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

نیمرخ ناپیدای واقعیت روند مصالحه در کشور اختلاط سنت و مدرنیته بمنظور دستیابی به حل و فصل قضایا پابندی به خط مشی و خطوط قرمز یا اصل پنداشتن تعامل

تیکه داران قومی و جولانگاه سیاست پیشگان پاندول منش
بقدرت رسیدن شخص یا دستیابی به موضع مشخص؟
نقش علوم سیاسی در خلق برنامه‌ها و ایجاد نهادها
چگونگی افزایش کارشناسان و وسعت صاحب نظران

استقرار صلح و دموکراسی در میان چیزهای دیگر تصمیمگیری‌ها باید تبارز دهنده دیدگاه‌ها، آرزوها و اراده کلیه شهروندان از مردان تا زنان باشد. این بدین مفهوم تلقی میگردد که اصل مصالحه نباید محدود به گروه خاصی باشد، بلکه باید بازتاب منافع عمومی بوده و صاحبان قدرت در کنار دستیابی به مصالحه و آشتی ملی، باید سود شهروندان کشور فارغ از تنوع قومی، سنی، دینی، زبانی، طبقاتی یا موقعیت اجتماعی شان را در نظر گیرند. در نتیجه، اگر دستیابی به صلح و مصالحه در کشور، عده‌ای را شامل نشده و یا گروهی را هم بدلائل مختلف به حاشیه براند، صلح بمثابه مصالحه جزئی و معیوبی باقی خواهد ماند. باید نظارت مردمی بر تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌گیرندگان عمومی و همچنان برابری میان شهروندان و اعمال نظارت، در نظر گرفته شود. در مورد گفتگوها و انجام مشورها بایست اصل نمایندگی، مشارکت، پاسخگویی، مسؤلیت‌پذیری و شفافیت اصول دموکراتیک و ارزش‌های میانجی‌گرانه معتبر شناخته شود.

قبل از ذکر سایر مسایل مورد نظر بحث کنونی، بایست خاطر نشان گردد که عدم موجودیت و نبود توافق‌های نخستین، بویژه در مورد شکل ساختار دولتی در کشور ما، چشم اندازهایی را که هم مورد نظر جهان بوده و هم برای شهروندان آن کشور پذیرفتنی است، در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد.

مدت‌هاست که آغاز مذاکرات میان افغانی انتظار برده میشود، مذاکراتی که نه تنها برای کشور عزیز ما افغانستان، بلکه برای تمامی منطقه نشانه مثبتی محسوب می‌گردد. از جانب دیگر، جهان شاهد تغییرات و تحولات چشمگیر ژئوپولیتیکی و ژئواقتصادی بوده که ممکن بمثابه مؤلفه اصلی رفع عوامل بحران کنونی اقتصادی ناشی از بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ محسوب گردد.

در این راستا، تعادل کنونی قدرت را در آستانه مذاکرات احتمالی بمنظور سازش ممکن و چشم اندازهای سیاسی در امر دستیابی به توافق را که بیش از سایرین، مورد نیاز افغانستان و کشورهای همجوار آن می‌باشد، باید مورد ارزیابی قرار داد. قابل تذکر پنداشته می‌شود که دولت جمهوری اسلامی افغانستان بگونه بی‌قراری در صدد جلب توافق بمنظور دریافت بی‌چون و چرای حمایت‌های مالی از جانب جامعه جهانی می‌باشد. اما قبل بر این، بسیاری از توازن‌فنامه‌ها در مورد یادشده بگونه شکننده‌ای از آب بدر آمد.

طی مدت زمان سال‌های پسین، دولت افغانستان با چالش‌های جدی روبرو شد. انتخابات ریاست جمهوری به بحر آن موأجه گردید. بر بنیاد تعامل و توافق حاصله ایالات متحده با "طالبان" ها، دولت افغانستان، بویژه زمانی که پس از انتخابات ریاست جمهوری، هم اشرف غنی و هم عبدالله، هر کدام خویش را بمثابه برنده انتخابات و رئیس جمهور منتخب کشور می‌پنداشتند، بگونه‌ای با یک دوسیه (پرونده) بی سابقه‌ای در تاریخ معاصر روبرو شد.

درگیری در این عرصه، درست با انتخاب مجدد غنی بمثابه رئیس جمهور کشور، در حالی که پایان رسید که رقیب

انتخاباتی نامبرده، ناخوشنودی اش را در زمینه ابراز نمود. با نظر گذرایی به نتایج انتخابات قبلی ریاست جمهوری در کشور که در نتیجه غنی توسط کمیسیون مستقل انتخابات بمثابه رئیس جمهور منتخب کشور اعلام گردید، عبدالله متکفل مقام ریاست اجرایی کشور گردید. اما در نتیجه، پس از انتخابات جنجالی پشین، نامبرده صلاحیت گزینش نیمی از اعضای کابینه دولت را نیز از آن خود کرده و در عین زمان، بمثابه رئیس شورای عالی مصالحه، متصدی اجرا و پیشبرد پروسه صلح و مصالحه گردید. در این میان عبدالرشید دوستم نیز که پس از انتخابات پیشین ریاست جمهوری بمثابه معاون نخست رئیس جمهور برگزیده شده بود، اینبار بدریافت رتبه مارشالی، عضویت در شورای امنیت ملی و شورای عالی بسنده نمود.

توافق حاصله یاد شده به بحران سیاسی در کشور نقطه پایان گذاشته و برای حاکمیت مرکزی کشور نیز این فرصت میسر گردید تا بگونه یکپارچه وارد پروسه مصالحه کشور گردد. در عین زمان، جمهوری اسلامی افغانستان، بگونه نسبی، همچنان غیر متمرکز باقی ماند، چه با پذیرش منطق و ویژگی های جامعه افغانی، نباید چنین پنداشت که فرد پیروز انتخابات ریاست جمهوری، همه موارد را بدست آورده، بر مرکزیت پافشاری نموده و مخالف منطقه بی شدن قدرت می باشد. توافق یاد شده، در مورد، گواه روشنی محسوب می گردد. مطابق تفاهم و توافق میان غنی و عبدالله، انتخاب و گزینش والی های ولایت های کشور، بگونه ای توسط آندو صورت خواهد گرفت. اما نتایج توافقات پیشین میان آنها، اصل تطبیق و اجرای توافقات پشین را نیز با شک و تردید مواجه می نماید.

مانند انتخابات قبلی، اینبار نیز مداخله ایالات متحده در دستیابی به سازش نقش بسزای ایفا نمود. اما واشنگتن مدت های مدیدی می شود که در مورد دستیابی به راهها و طرق "خروج آبرومندان" از افغانستان و ترک اراضی کشور ما می اندیشد. امضای موافقتنامه و حصول تعاملاتی با "طالب"ها بمنظور تهیه و تنظیم و فراهم نمودن مقدمات چنین خروجی پنداشته می شود تا بگفته آنها، جان تازه ای به مذاکرات صلح میان افغانی بخشیده و حل و فصل صلح آمیز قضایای موجود در کشور تسهیل گردد. چنین اظهار نظرهایی نیز بگوش می رسد که پایداری حاکمیت سیاسی کنونی در کشور ما، تنها و تنها با تداخل مستقیم ایالات متحده در امور مربوطه امکان پذیر می باشد. چنین توافق و نوعی از سازش غنی - عبدالله، که در نتیجه پادرمیانی ایالات متحده صورت گرفت، در نوع خود، بازتاب دهنده و نشانگر فضای سیاسی تب آلود و بسیار ملتهب اجتماعی با موجودیت و حضور بازیگران محلی و قومی است که می توانند بر نیروهای نظامی یا سیاسی بنحوی نظارت داشته باشند. از آنجا که منابع رسمی دولتی، ابزاری بمنظور طرح نسخه های مشروط تقسیم قدرت ارائه نمی نمایند که منعکس کننده واقعیت های ملی باشد. بمنظور اتخاذ تصمیمات ضد قانون اساسی کشور، متأسفانه کابل به یک مذاکره کننده خارجی (واشنگتن) وابسته می باشد.

قابل یاددانی پنداشته می شود که تاکنون در صفوف وردهای قوای مسلح کشور، شگاف و دوگانگی قابل تشویشی که سبب نگرانی گردد، بمشاهده نمی رسد. حتا در مدت زمان اجرای مراسم دوگانه تحلیف توسط غنی و عبدالله، نیز امنیت هر دو مراسم را تحت نظر داشته و از تشنج اوضاع جلوگیری بعمل آوردند، اما ضد و نقیض گویی ها و تقاوت دیدگاههای سیاسی، بویژه در شرایط معین کشور، بگونه مستقیمی در چگونگی و نحوه انسجام آنها اثر گذار می باشد. علاوه بر آن، همبستگی و یگانگی و توان رزمی و جنگی نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، بگونه مستقیمی به بوجه و موارد مادی و مالی ارتباط دارد.

موازی با مبارزه بمنظور کسب قدرت، حاکمیت مرکزی کشور با کوهی از مشکلات و معضلات در حال تزاید اجتماعی - اقتصادی، از جمله بیکاری و بدتر شدن اوضاع امنیتی مواجه می باشد. بدین ترتیب، کشور ما، سالانه بگونه اوسط، به ۱۱ میلیارد دالر هزینه مصرفی نیاز داشته که تنها ایالات متحده مکلف به تأمین و پرداخت ۲,۵ میلیارد دالر آن می باشد. رفع کمبود در این زمینه از مدرک معاونت های خارجی تأمین می گردد. طی سال روان، آفات و زیان های وارده از رهگذر شیوع و ویروس کرونا (کووید - ۱۹)، میتواند فروپاشی اقتصادی در کشور را بواقعیت مبدل نماید.

در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که حاکمیت سیاسی کشور، قادر بانجام چه مواردی می باشد؟ قبل از همه، یادآوری این مسئله در خور اهمیت پنداشته می شود که وضعیت کنونی بر بنیاد مبارزه دوامدار سیاسی و اجتماع شکننده در شرایط صلح آمیز و امکان امتیازات احتمالی که حاکمیت سیاسی کشور در پی آن میباشد، می تواند برای واشنگتن غیر قابل فهم باشد. اما با این حال، طی سال انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده، دونالد ترا مپ به دستیابی مؤقتی هایی در کشور ما ضرورت دارد. بنابراین، اداره واشنگتن با تمامی توان و نیرویی که در اختیار دارد، در پی آن خواهد شد تا طرف های درگیر در قضایای کشور ما را به میز مذاکره حاضر نموده و با استفاده

از چنین فرصتی در صدد نشان دادن موفقیت های بدست آمده شده و بمنظور صرفه جویی در شرایطی که اهرم های نفوذ اندکتری موجود می باشد، تلاش خواهد ورزید.

قابل یاددانهایی می باشد که وزیر امور خارجه ایالات متحده چندی قبل، بگونه غیر مترقبه ای بمنظور پیشرفت در امر مربوط به توافق صلح ایالات متحده و "طالب" ها، وارد کابل گردید.

اشرف غنی طی مصاحبه ای در مرکز "شورای اتلانتیک" در ماه جون سال روان اظهار نمود که حتا بگونه تقریبی هم شرایط و وضعیت صلح ممکن در کشور را با استثنای مباحثات کلی در مورد جمهوریت و حقوق بشر نمی تواند، پیشبینی نماید. همچنان غنی گفت که استعفا و کناره رفتن رئیس جمهور از مقامش بمنظور اعاده صلح در کشور، چنانچه چنین کاری توسط دکتور نجیب الله نیز انجام گردید، هرگز در افغانستان تکرار نخواهد شد.

با این حال، وضعیت کنونی اشرف غنی با وضعیت و حالت دکتور نجیب الله و وابستگی کامل آنها به کمک ها و معاونت های خارجی، بیشترین شباهت ها را بهم می رساند. پس از آنکه نظامیان شوروی سرزمین کشور ما را ترک نموده و مدتی بعد از آن، فدراسیون روسیه کلیه کمک ها و معاونت هایش را بجانب کشور ما قطع نمود، زمینه های سقوط و فروریزی حاکمیت سیاسی در کشور ما نیز فراهم گردید. سیستم سیاسی کنونی کشور ما نیز در وضعیت حاضر کاملن متکی به وسایل و کمک های خارجی سرپایش باقی مانده است و بنیادهای اجتماعی نیز بنحوی از این مساعدت های خارجی مستفید می گردند، بویژه قوای مسلح کشور بگونه کامل و تمام عیاری به کمک های یادشده وابسته و متکی میباشد. ممکن اصل جریان معاونت های خارجی به کشور ما را غنی رهبری و تنظیم نموده و عبدالله هم متکفل پیشبرد مذاکرات صلح و تداوم پروسه مصالحه و آشتی ملی باشد.

کناره رفتن از مقام ریاست جمهوری و تشکیل اداره مؤقت، ممکن مهمترین گام در مسیر و روند پروسه آشتی ملی در کشور محسوب گردد. اما این کار بگونه قطع، یا توسط فشارهای خارجی و یا تهدیدهای داخلی، فروپاشی نظام سیاسی زمینه چینی خواهد گردید. از آنجایی که خودداری غنی از انجام چنین امری، باین دلیل صورت گرفته باشد که شخص دیگری نتواند منابع و مبالغ وارد شده بکشور را در اختیار داشته باشد.

قابل تذکر پنداشته می شود که حفظ و نگهداری قانون اساسی کشور با اهداف مذاکرات صلح ارتباط مستقیمی دارد. چه، سیستم سیاسی ای که قادر به تنظیم مذاکرات با مخالفان مسلح بمفهوم وسیع کلمه نباشد، با سهمگیری در درگیری های مسلحانه، قادر به حل و فصل سایر مسایل موجود هرگز نخواهد بود.

در این زمینه، این واقعیت قابل یاددانهایی پنداشته می شود که "طالب" ها از رهگذر قدرت متمرکز، ضعیف پنداشته می شدند. با این اوصاف، رهبران گروه یادشده، همیشه در تلاش حفظ وحدت و یکپارچگی سیاسی و ایدئولوژیکی سازمان یادشده می باشند. شخصیت نیمه افسانوی ملا عمر بمثابه سمبول جنبش مبدل گردید. اما ملا اختر منصور، جانشین نامبرده، از چنین اتوریتته ای برخوردار نبوده، نتوانست از صلابت لازم کار گرفته و در نتیجه "طالب" ها را بگونه کلی و بیش از هر زمان دیگر، نا امید نمود. در زمستان سال ۱۳۹۵ حرکت "طالب" ها تحت رهبری ملا هیبت الله آخوندزاده، بگونه واقعی به تحکیم وحدت و یگانگی داخلی و ایجاد سیستم پایدار نظارت بر اعمال و کردهای جنگجویان مؤفق گردیدند. رهبر "طالب" ها بگونه بنیادی، رهبری عرصه های سیاسی و مذهبی "طالب" ها را بردو ش دارد. در عین زمان سراج الدین حقانی بمثابه معاون نامبرده، مسؤلیت پاسخگویی عملیات نظامی را عهده دار می باشد. شبکه حقانی را که نامبرده رهبری مینماید، از ساختارهای منحصربفرد سنتی - قبایلی مجزا و متمایز گردیده و دارای سابقه سازمانی و تشکیلاتی متفاوتی می باشد. شبکه یادشده، از جمله تأثیرگذارترین ها بوده و نه تنها در اراضی متعلق به کشور ما، بلکه حتا در جنوب آسیا نیز از نفوذ قابل ملاحظه ای برخوردار می باشد. باین اوصاف، سلسله مراتب عمودی قدرت در گروه یادشده موجود بوده، اما خودمختاری محلی در آن، قابل توجه محسوب می گردد. اما نباید فراموش نمود که درگام نخست، پشتیبانی و حمایت مردمی در مورد، لازمی و حتمی شمرده می شود. قوماندان های محل، بگونه نسبتن خوبی و بگونه مستقیم و غیر مستقیمی، وضعیت جنگی را سبک و سنگین نموده، شرایط محاروبی را تحت نظر داشته و پیروزی و موفقیت در محلات را از سایر موارد، مهم و با اهمیت می پندارند. تحت رهبری آخوندزاده، "طالب" ها به موفقیت هایی در عرصه نظامی نایل گردیده و تشکیلات آنها نیز بگونه ای منسجم بوده و بمقایسه گذشته ها، امکانات انشعاب و تکه تکه شدن آن کمتر متصور میباشد. "طالب" ها از انجام عملیات وسیع و پیچیده ای بویژه در شهر ها و همچنان از امکانات کاربرد تاکتیک های متنوع در مجموع کشور نیز استفاده بعمل می آورند. در شرایط و وضعیت کنونی، آنها بر بیشترین بخش اراضی کشور تسلط داشته و بگونه ای در تعیین آینده سیاسی کشور و در تعاملات حل و فصل سیاسی قضایای کشور نیز از نقش قابل ملاحظه ای برخوردار می باشند.

بخاطر باید داشت که "طالب"ها سیاستی را متکی به سه فاکتور امنیتی (بعُد نظامی)، پیامد های سیاسی و پیامدهای مذهبی دنبال می نمایند. تصمیم های اتخاذ شده، توسط فرماندهان میدان جنگ از رهگذر پیامدهای امنیتی و سیاسی چگونه ای نظارت شده که بصورت طبیعی باید رضایت خاطر رهبران نظامی را فراهم نماید. فرمانداران سایه، به به نحوه ای، انجام امور مدنی را با تعهدات نظامی درهم می آمیزند. آنها در عمل، از توانایی پذیرش و یا رد نظر و خواست های رهبران "طالب"ها در ولایت های شان برخوردار می باشند.

"طالب"ها، تعامل پسین با ایالات متحده را بمثابه پیروزی منحصر بفردی برای خود محسوب نموده و خویش را بر نده مبارزات طولانی مدت در کشوری پندارند. تعامل و توافق یاد شده در اسلام آباد احساس پیروزی را بیش از پیش تقویه نمود. اسلام آباد بمثابه متحد سر و پا قرص "طالب"ها که در امتداد سال های جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور ما در صدد اخلال و ایجاد موانع در مناسبات کابل - واشنگتن، عرق افشانیهای فراوانی بعمل آورده و به "طالب"ها امکان آن را میسر نمود تا با ایالات متحده بگونه متساوی الحقوق به میز مذاکره حاضر گردیده و وارد معامله هایی گردند. در این راستا، مسأله حل و فصل مسالمت آمیز قضایا با کسانی که "طالب"ها آنها را بمثابه "عروسک های امریکایی" می پندارند، ضروری پنداشته شده، اما در قضایای یاد شده، در نظر داشت و حفظ منافع اسلام آباد توسط آنها باید در صدر همه موضوعات و مسایل مورد بحث، قرار داده شود.

در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که آیا "طالب"ها به حصول توافق با حاکمیت سیاسی کشور نیازی احساس می نمایند؟

پس از توافقات ماه دلو سال پار که در نتیجه، امتیازات گوناگون و گسترده ای به "طالب"ها تعلق گرفت. یعنی انجام ملاقات و گفتگوهای مستقیم آنها با ایالات متحده و نه با نماینده های دولت افغانستان و همچنان مسأله خروج کامل قوت های نظامی و جنگی خارجی از اراضی کشور. اما یادآور باید شد که موضعگیری آنها در قبال حل و فصل صلح آمیز قضایا، بگونه کلی مبهم می باشد.

از یکجانب، "طالب"ها بگفته خودشان در جنگ و در نتیجه توافق حاصله با واشنگتن "پیروز" گردیده اند و نه در نتیجه توافق و تعاملی با کابل که با توجه به شرایط آن، "طالب"ها به آغاز مذاکرات میان افغانی مبادرت ورزیده و بدون برسمیت شناختن حاکمیت سیاسی کشور، خواستار رهایی زندانیان "طالب" می باشند. در زمینه قابل یاددهانی پندا شته می شود که مطابق فرمان جداگانه ریاست جمهوری کشور بتعداد ۴۵۰۰ تن از زندانیان "طالب" از حبس رها گردیده و قرار اظهارات اشرف غنی، وی صلاحیت آزادی تعداد باقیمانده زندانیان "طالب" را نداشته و لویه جرگه مشورتی را بمنظور حل و فصل معضل یاد شده دعوت نمود که جرگه یاد شده، نخستین روز کاری اش را بروز جمعه در کابل آغاز نمود تا در مورد سرنوشت تعداد باقیمانده زندانیان که بجرم های سنگینی متهم بوده و حکم اعدام برخی از آنها توسط محکمه اتخاذ گردیده، و همچنان در مورد قطع آتش نیز تصمیم اتخاذ نموده تا گامی به پیش بسوی تأمین امنیت و تحکیم صلح سراسری برداشته شود.

بگمان اغلب چنین گمانه زنی هایی نیز بگوش می رسد که "طالب"ها ممکن با اصل صلح و مصالحه، سر سازگاری نشان ندهند که چنین وضعیتی، بیشترین تعداد جنگجویان را نا امید نموده و از آنها سلب هویت گردد. امتیازات قابل توجه در این زمینه ممکن سبب شکست و ریخت هایی در مجموعه "طالب"ها گردد. اما نباید فراموش خاطر ما گردد که اما یگانگی "طالب"ها بمثابه یک مجموعه، بنوبه خود بمثابه تضمینی بمنظور نظارت از توافقات حاصله محسو ب می گردد. اما بخاطر باید داشت که هر نوع توافق در زمینه حل و فصل سیاسی قضایای کشور، قبل از سایر موارد، به یکپارچگی "طالب"ها ارتباط دارد.

برای "طالب"ها، اشرف غنی بیش از سایرین، بمثابه دست نشانده پنداشته شده و طبعن، انجام مذاکره و گفتگو با غنی و یا با عبدالله را بمثابه خلع ید کردن "طالب"ها و تسلیم شدن به کابل می پندارند.

بمشکل بتوان حتا تصور نمود که "پیروزمندان" حاضر به تقسیم قدرت (بگفته آنها) با یک "دست نشانده" باشند. علاوه بر آن با سبک و سنگین نمودن وضعیت کنونی و چگونگی موضعگیری کنونی اشرف غنی، تصور اینکه "طالب"ها با اشرف غنی و عبدالله موافق بوده و به سهمگیری و اشتراک در دولت رضایت نشان داده و در مورد، موافقت بعمل آورند، اندکی غیر عملی بنظر می رسد. اما بعید نیست که "طالب"ها آماده باشند تا مطالبات دینی و مذهبی شان را که جز تفکیک ناپذیر فرهنگ سیاسی آنهاست، کنار بگذارند. بعبارت دیگر، اما فضا و عرصه بمنظور انجام مانور در مذاکرات نهایت اندک خواهد بود.

از جانب دیگر، "طالب"ها به شناخت توسط جامعه بین المللی، نیاز شد احساس می نمایند. عامل یاد شده بمثابه کلید

دستیابی با اهداف سیاسی ارزیابی گردیده که خود به لفاظی های "طالب" ها اثرگذار می باشد. یکی از جمله علایم واضح و قابل دید در موضعگیری "طالب" ها واضح بودن موقف رهبران آنها و نحوه تعامل با بازیگران بین المللی درگیری های کشور بحساب می آید.

در پاکستان نیز از دشوار بودن و حتی از محال بودن تسخیر قدرت در افغانستان توسط "طالب" ها آگاه می باشند. تلاش های مشابه بگونه مستقیمی سبب تشدید تضادهای منطقوی گردیده و واکنش هایی را از جانب هند و فدراتیف روسیه ببار خواهد آورد. بهمین دلیل، ممکن در وضعیت عمومی پاکستان سلسله ای از آشفتگی ها و درهم و برهمی ها آغاز گردیده و "طالب" ها نیز بمتابه قابل توجه ترین و تأثیرگذارترین قوت نظامی در اوضاع کشور ما، همچنان حفظ کردند، کاین بیشتر از هرسناریوی دیگری ممکن در دستور کار قرار داشته باشد.

چگونگی و نحوه مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی، از لحاظ ستراتیژیک، بگونه گلی نامشخص می باشد. کامل نشدن رهایی و تبادل زندانیان و تداوم اقدامات مسلحانه، در نوع خود موانعی را بر سر راه تدویر و انجام مؤفقانه مذاکرات و گفتگوهای یادشده ایجاد نموده، سبب سازکاهش اثرگذاری ایالات متحده گردیده و "طالب" ها همراه با متحدین پاکستانی شان، خویش را بمتابه برندگان بازی کنونی در کشور ما پنداشته و همچنان، نبود و فقدان موجودیت موضعگیری مشخص و واضح در مورد سازش های احتمالی را بیش از پیش قوت می بخشد. در این میان، سازش ها بی که طرف های درگیر، بویژه "طالب" ها بمنظور استقرار صلح در کشور و شناسایی آنها توسط جامعه بین المللی، حاضر به پذیرش آنها می باشند - بگونه قطعی، بمتابه مسأله کلیدی پروسه صلح در کشور پنداشته می شود.

در شرایط و وضعیت اینچنینی، آغاز بکار مذاکرات و گفتگوهای صلح ممکن تنها بآمادگی هایی برای صلح و با اقدامات و اتخاذ تصمیم هایی تاکتیکی در مورد بیانجامد.

کاخ سپید با تلاش های تب آلودی در صدد آن می باشد تا اگر ممکن باشد، بگونه حداقل هم اگر شده، تصور گلی و حتی تصویر مغشوشی از پیروزی هایش را در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری پیشرو برخ دیگران کشیده و بویژه بمنظور جلب رضایت و خوشنودی رأی دهندگان، ارائه نماید.

جانب حاکمیت سیاسی کشور بر موفقیتش در مذاکرات بمتابه شریک برابر، پافشاری خواهد نمود. "طالب" ها می توانند بر تحکیم برخی از مواضع بین المللی شان تکیه نموده و در عین زمان، پاکستان نیز باید در صدد تضعیف مواضع کابل نبوده و از سعی و عرق افشانی بمنظور کاهش اثرگذاری و مؤثریت هند در کشور ما و پنداشتن کشور عزیز ما بمتابه به اصطلاح "حیات خلوت"، خودداری ورزد.

حصول و دستیابی با اهداف صلح آمیز بمنظور استقرار امنیت در کشور ما، جوابگوی آرزومندی های شهروندان مصیبت دیده کشور ما بوده و از آرمان های انسانی بشریت مترقی در سده ۲۱ نمایندگی می نماید.

یکشنبه ۱۹ ماه سرطان سال ۱۳۹۹ خورشیدی